



امیرجوهری لنگرودی

[amir\\_772@hotmail.com](mailto:amir_772@hotmail.com)

بعد از کدام قرن بر این دشت،

ساقه‌ای می‌روید

و ناله‌های زمین را

در باد می‌پراکند؟!!

«محمد مختاری»

پنج اکتبر روز جهانی معلم است. در ادامه‌ی تحریکات مردم سراسر ایران، تحولات کشور ما با شتابی فزاینده و با سرعتی غیرقابل پیش‌بینی، به پیش می‌رود. اعتراض، جوشش نسل جوان دختر و پسر دهه‌ی هشتادی و نودی، با درهم تنیدگی گسترده‌ای، از کلاس درس دانشگاهی به کلاس درسه مدرسه‌ها، از شهری به شهری و از استانی به استانی دیگر، برای دستیابی به کرامت انسانی و آزادی، همه‌ی جغرافیای ایران را درمی‌نوردد. دانشجویان ما اعتراض و اعتصاب دانشگاه‌ها را با همراه کردن استادان متعهد در نبرد تاریخی نابرابر مشت و فریاد در برابر گلوله به پیش می‌برند. در برابر این جوشش و همبستگی، حاکمیت اسلامی و همه‌ی عمله و اکراهش همچنان به سرکوب سبعمانه و ددمتشان‌شان ادامه می‌دهند.

از جمله: فرزندان مردم را از کف خیابان می‌ربایند و مورد تجاوز قرار می‌دهند و می‌کشند پیکر بی‌جان‌شان را از گورستان می‌ربایند و در نقطه‌ی دورافتاده‌ای به‌دور از چشمان اقوام عزادارش مخفیانه به خاک می‌سپارند. علیرغم قطع اینترنت، ویدئوهای که با فیلترشکن از تیراندازی روز دوشنبه ۱۱ مهر به عزاداران در روستای ویسیان خرم‌آباد در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی منتشر شده، نشان می‌دهد در «قبرستان صالحین» تعدادی از عزاداران را با تیرهای ساچمه‌ای زخمی و خونین کرده‌اند. یا «سارینا اسماعیل‌زاده» دختر ۱۶ ساله‌ای که با ضربه‌ی باتوم به سرش کشته شد، حالا خبر رسیده که مادرش این درد رو تاب نیاورد و خودکشی کرد. نظام اسلامی بعد از جنایت گسترده‌ی نمازجمعه‌ی زاهدان، با بیش از ۷۰ نفر کشت و بیش از ۳۰۰ زخمی، امروز استان پهناور سیستان و

بلوچستان را محاصره‌ی نظامی کرده و در یک نمونه از اقدامات جنایت‌بار و جنون آمیزش مدارس شیرآباد را یکی پس از دیگر آتش می‌زند تا به تفرقه‌ی بین شیعه و سنی در سطح استان دامن زده و مزدورانش با ایجاد ناامنی در لباس بلوچی سعی در اختلاف انداختن بین مردم دارند؛ می‌خواهد بر جنایت دهشناک جمعی خونین زاهدان سرپوش نهند! در میان کشته شدگان می‌توان از «اقبال شهنوازی» کودک کار و بیش از هفت کودک دیگر که حتی شناسنامه ندارند باید یاد کرد. از سوی دیگر به پایگاه‌های احزاب کردستانی در سرزمین عراق با پهپاد انتحاری و موشک یورش می‌برد و کودکان و دانش آموزان را به هراس می‌اندازند و پیشمرگان را به خاک و خون می‌کشاند و...

مرتباً شعارها و اخبار جدید، لیست‌های بازداشت شدگان، اسامی جانفشانان راه آزادی، صف بهم پیوستن دانش آموزان و معلمان، دانشجویان و استادان، در کنار اعتصاب کارگران پیروشمی در میدان کارگری عسویه در همراهی با جنبش عظیم و پرتوان سراسر کشور، همراه با شعارنویسی روی دیوارها، پاره کردن عکس‌ها و بنرهای سخنان سران نظام، تحصن‌ها و اعتصابات سراسری می‌رود که نظم قانونمند خود را بیابد؛ هیمنه و اقتدار رژیم را در هم پیچد و این مومیایی‌های نابه‌هنگام برآمده از ژرفای تاریکی را در هم بشکند و فرو ریزاند!

پیشتر «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» در اطلاعیه‌ای عنوان کرده بود: «امسال روز جهانی معلم، یعنی پنجم اکتبر در ایران هم زمان شده است با یک تعطیلی سراسری، از همین رو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران از معلمان و دانش آموزان می‌خواهد که در روز سه شنبه مورخ ۱۲ مهرماه با اعتصاب در مدرسه و خودداری از کلاس رفتن، همبستگی و همراهی خود را با همه معترضان جان به لب آمده، نسبت به بی عدالتی‌های حاکمیت نشان دهند» چرا که برآند: «... پیوستن خیل عظیمی از اساتید دانشگاه‌ها، معلمان، فعالان اجتماعی زندانی، بازاریان، کارگران، ورزشکاران، هنرمندان، رانندگان و کامیونداران، روزنامه‌نگاران، نویسندگان پیشرو و... به اعتراضات توده‌ای که اتحادی مبارک برای دست یابی به آرزوهای بلند و دیرین ملت ایران است، بیش از همه شکاف بین مردم و حاکمیت را به خوبی به تصویر کشیده است...» (۱)

رخدادهای روزمره‌ی جامعه‌ی ما نشانه‌ی اینست که با حاکمیتی مواجه هستیم که واژگون شدن سطل زباله و سوختن بنرهای تبلیغاتی ارگان نظامی‌اش را تخریب سرمایه‌های ملی و جبهه براندازی می‌نامد، اما گلوله باران، ربودن زنان، دانش آموزان، محاصره‌ی شبانه‌ی دانشجویان دانشگاه شریف، بازداشت دهشتاک صدها تن از آنان و زخمی کردن نخبگان دانشگاهی که بزرگترین سرمایه‌ی کشور هستند، در کلام سرفرمانده‌ی «مبارزه با اغتشاشگر سرسپرده» نامیده می‌شود.

امروز برای همه احاد جامعه‌ی ما و جامعه‌ی جهانی روشن است: نشانه‌ی این «جنبش»، «خیزش» یا «قیام» و حتی «انقلاب» هرچه بنامیم؛ به پا خاستن همه‌ی مردم ایران از فارس، کرد، بلوچ، ترک آذری، ترکمن، عرب، لر، بختیاری، گیلک و مازی، نشان می‌دهد «این جنگل انبوه به حرکت درآمده است» این خیل عظیم انسانی در کنار یکدیگر و در صفی به هم پیوسته، سمت و جهتی روشن دارد؛ این حرکت بزرگ و میلیونی، بدون اتکا و دخالتگری هیچ نیروی خارجی و چشم داشتن به رهاننده‌ی برتری، نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب، خود با اتکا به خود به رهایی و برابری برآمده. آزادی و رهایی، برای زن و برای مرد و برای همه (۸۵ میلیونی مردم جامعه‌ی ما) و دیگر هیچ.

روز ما فرداست، فردا روشن است، چنین کنیم و چنین بادا!

(۱) کانال تلگرامی «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران»

چهارشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۰۵ اکتبر ۲۰۲۲